

با معلومات به سوی ابهامات

مهره ناب در جمهوری اسلامی

امیر فیض- حقوقدان

مصاحبه اخیر خانم معصومه ابتکار و نقد آن توسط ایرانیارگرافی آقای «ک - ر» واجد موضوعی حساس و سیاسی است که تحریری را میتواند پذیرا شود.

مهره های آمریکا در جمهوری اسلامی

دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی کشورها معمولاً تلاش دارند که عواملی قابل اطمینان در دولت های کشورهای دیگر در اختیار داشته باشند؛ اما موضوع مهم در این رابطه استفاده از امکانات ویا فراهم کردن زمینه هایی است که بتوان در آن شکار مورد نظر را پیدا کرد یعنی افراد و شخصیت های کشورهای مورد نظر در موقعیتی قرار گیرند که کشورهای دیگر با بهره برداری از آن موقعیت چه از باب تهدید ویا تحبیب بتوانند شخص مورد نظر خودشان را به خدمت بگیرند. (ستون پنجم).

واما بعد

موقعیت مزبور در حد بسیار عالی و استثنائی در جریان گروگان گیری کارمندان سفارت آمریکا برای کشور آمریکا در یارگیری و انتخاب مهره هایی که برای دولت آمریکا کار و فرمانبری کنند بوجود آورد.

افکار عمومی جهان در مجازات گروگان گیران

پس از پایان گروگان گیری کارمندان سفارت افکار عمومی جهان روی موضوع گروگان گیری حساس شد و مسئله تعقیب و مجازات هریک از گروگان گیران در سطح جهانی مطرح گردید.

❖ آقای ویلیام باکلی کالمیت نظریه پرداز محافظه کاران حزب دمکرات آمریکا که روسای جمهوری آمریکا از جمله ریگان و بوش خود را از پیروان نظریه او میدانستند گفت:

<آمریکا نباید تاروژی که گروگان گیران سفارت رازنده ویا مرده تحویل نگرفته آرام بنشیند.>

❖ روزنامه واشنگتن پست <آمریکا باید با توسل به تمام امکانات گروگان گیران را مجازات کند.>

❖ روزنامه دیولت المان نوشت <گروگان گیران سفارت میدانند که جنایات آنها بدون کیفر نخواهد ماند و مجبورند باقی مانده عمر خود را در مخفیگاه ها با نام جعلی، در ترس و وحشت بگذرانند و یقین

دارند که دست مکافات یقیه آنها را خواهد گرفت و هیچ نقطه ای در جهان جای امنی برای آنها نخواهد بود.

❖ **اف - بی - ای (مرکز تحقیقات پلیسی و جنائی دولت فدرال آمریکا) اعلام کرد: دولت آمریکا اقدامات وسیعی برای تعقیب و دستگیری عاملین گروگان گیری را آغاز کرده است و این کار را به حکم قانون انجام خواهد داد.**

❖ **متعاقب همین اخبار و انتشارات خارجی بود که خبرگزاری ها اعلام کردند که جسد ۶ تن از گروگان گیران لبنانی پیدا شده است؛ بنوشته کیهان لندن مقامات جمهوری اسلامی متوحش شده اند چراکه دادگاه فدرال آمریکا به تازگی حکمی صادر کرده و بدولت اجازه داده که کسانی را که علیه اتباع آمریکائی جرمی مرتکب میشوند و آنها را میبایند برای محاکمه به آمریکا بیاورند.**

(کیهان لندن شماره ۴۱۲)

❖ **علی اکبر محتشمی در مصاحبه با روزنامه (الشروق امارات عربی) تائید کرد که آمریکا یک لیست ۵۰۰ نفره از گروگان گیران ایرانی را تهیه کرده و جمهوری اسلامی راهم در جریان گذاشته اند و ممکن است این افراد دستگیر شوند او اضافه کرد >در لیست مزبور نامهای موسوی خونینی ها - حسن شیخ الاسلام - علی اکبر محتشمی - صادق خلخالی و گروهی از فرماندهان سپاه دیده میشود<**

❖ **آقاچاری که یکی از افراد معروف گروگان گیری سفارت است؛ در میزگردی که برای گفتگو درباره استکبار جهانی تشکیل شد در آبان ماه سال ۱۳۷۰ گفت: >آمریکا ممکن است به بهانه کنترل سلاحهای هسته ای بسراغ ما بیایند<**

(کیهان لندن شماره ۳۸۰)

واکنش جمهوری اسلامی

در مقابل وحشت و نگرانی گروگان گیران سفارت آمریکا، جمهوری اسلامی اعلام نمود که بر اثر توافقی که بین ایران و آمریکا شده؛ آمریکا از تعقیب گروگان گیران خودداری خواهد کرد این اعلام جمهوری اسلامی واقعیت نداشت و این خبر از سوی کارشناسان و مراجع خبری آمریکا تکذیب شد.

توضیح = دولت ها میتوانند حق مطالبه خسارات مادی را از افراد دولتهای متجاوز ساقط کنند ولی اتهام جنائی مرتکبین از باب حقوق عمومی است و اسقاط آن نیاز به تشریفات قانونی دارد (پایان توضیح).

دست آورد از معلومات بالا

نخستین دستاورد مورد استناد این تحریر، این است که بیقین گروگان گیران کارمندان سفارت راحت و بی خیال در پناه جمهوری اسلامی ننشسته بودند و هراسان و نگران از مجازات قانونی آنها از سوی آمریکا با حمایت افکار عمومی جهانی بفرچاره اندیشی افتادند.

تنها راه فرار از مجازات

تنهاراهی که در مقابل آنها قرارداد داشت اول مخالفت با رژیم آخوندی حاکم بر ایران و دوم نزدیکی به آمریکا تا با جاسوسی و اطاعت از دستورات آمریکائی ها امنیت جانی خودشان را تامین کنند و این درست همان چیزی بود که دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی آمریکا منتظر آن بودند؛ چرا که کشتن گروگان گیران یک کار انتقامی نچندان قابل قبول بود در حالیکه عاملیت آنها برای آمریکا یک کار ملی و واجد منافع سیاسی برای دولت آمریکاست.

خانم ابتکار از باب نمونه

خانم ابتکار ۶ سال قبل از شورش ۵۷ در آمریکا بوده است، کمتر جای تردیدی است که ایشان دارای ورقه اقامت کارت سبز و تابعیت آمریکا را نداشته باشد، خانم ابتکار درست در جریان گروگان گیری یک دختر خانم جوان ۱۸ ساله بوده که بنا بر اعلام خودش از دیواره های آهنی سفارت بالا رفته است و مترجم گروگان ها شده. کارهایی که معمولاً در حد دختران ایرانی نیست مگر دختران تعلیم دیده سازمانی. اینکه چطور ایشان در آن سن و سال بموازات جریان گروگان گیری و شورش ۵۷ به ایران آمده خود موضوع دقیقی است که کنکاش در آن به معلومات بیشتری در احوالات ایشان منجر خواهد شد.

خوب آیا آمریکا این خانم را تعقیب قضائی میکرد یا دستور ترور او را میداد بهتر بود، یا در مقام معاونت رئیس جمهور جمهوری اسلامی عاملیت آمریکا را بر عهده داشته باشد؟ و در عبارت ساده روحانی عامل دیگر آمریکا را زیر نظر بگیرد و گزارش دهد و فرزند ایشان هم در آمریکا ظاهراً بعنوان دانشجو و عملاً بصورت گروگان وثیقه صداقت و راستگویی مادرشان قرار گرفته باشد که هست؛ بین این دوره کدام یک متضمن منافع آمریکا و برای آن کشور عقلانی است؟ البته راه دوم که آمریکا هم به آن راه رفت.

تحصیل اطلاعات

برای آمریکا به شهادت اظهارات شخصیت های آمریکائی در مسائل ایران، بیش از هر چیز کسب اطلاع از جریان ایران مهم بوده است (اسناد سفارت آمریکا) حال آمریکا با رسیدن به نقطه ای که میتواند تمام گروگان گیران سفارت هریک بتنهائی و یا باتفاق دیگران مرکز مهم و با اعتباری برای جاسوسی و کسب خبر از جمهوری اسلامی باشند مهمتر است و یا خیر به دنبال شرافت ملی آمریکا در صدد مجازات گروگان گیران میرفت؟

آشنائی بیشتر با موقعیت خانم ابتکار

خانم ابتکار در مصاحبه اخیرشان هیچ ابراز پشیمانی از عمل گروگان گیری نکرده اند یعنی به ریش آمریکائی ها سخت خندیده است؛ در حالیکه هیچیک از گروگان گیران که برخی از آنها در همین تحریر معرفی میشوند جرات تائید و حمایت از گروگان گیری را نداشته اند، آیا این مهم قرینه ای نیست بر استحکام جایگاه ایشان در ستاد اطلاعاتی دولت آمریکا؟ همین ژست ضد آمریکائی است که میتواند موقعیت ایشان را در جمهوری اسلامی تثبیت کند که کرده است، و اولین خانمی باشد که در هیئت دولت جمهوری اسلامی

عضو باشد؟ آیا باورکردنی است ویا منطق سیاسی و حقوقی اجازه میدهد خانمی که متهم به از دیوار سفارت آمریکا بالا رفتن و در امر گروگان گیری مشارکت داشته به مقام معاونت ریاست جمهوری کشوری برسد که بهرحال سیاست کلی آن کشور (جمهوری اسلامی) احترام ظاهری به میانی حقوق سیاسی بین المللی است؟ آیا کسی رامیشناسید که مهره ای ناب واستثنائی در جمهوری اسلامی باشد در مقام مقایسه با جایگاه خانم ابتکار؟

چگونه ممکن است آمریکا که نسبت به ورود افراد کشورهای مظنون به تروریستی آنچنان حساسیتی را که ناظریم بکار میبرد نسبت به فرزند خانمی که ۵۴ تن از کارمندان سفارت آمریکا را ۴۴ روز گروگان گرفته و اکنون هم از همان اقداماتش دفاع میکند اجازه اقامت در آمریکا را بدهد؟ البته که غیر عادی است زیرا در زمانی که فرزند ایشان به آمریکا میروند سالها موضوع گروگان گیری واتهام مادر ایشان به اثبات رسیده بود.

خانم ابتکار مدعی شده اند که آزادی عقیده فرزندشان سفر تحصیلی در آمریکا بوده است؛ ولی این بهانه ضعیفی است زیرا به حکم طبیعت انسانی اگر مادر مطمئن از سلامتی فرزندش نباشد با سفرا و موافقت نمیکند و چون مخارج سفر و اقامت فرزند خانم ابتکار بر عهده مادر و پدر او بوده سفر انجام نمیشود.

آیا این منظر غیر عادی، نمیتواند بمناسبت خدمات مادر به منافع و سیاست آمریکا در جمهوری اسلامی، قابل چشم پوشی باشد؟ انتخاب این شیوه ها یک کار بسیار استثنائی است که تنها در **تخصص تبهکاران شیاد است**؛ تبهکار شیاد عنوانی است برای تبهکارانی که میتوانند با استفاده از شیادی خود از مجازات رها شوند و حتی به مراتب و مقاماتی هم برسند.

دلیل شادی

در ابتدای این تحریر اظهار نظر مقامات آمریکائی مانند اف بی آی و روزنامه های آمریکائی و آلمانی در مورد لزوم تعقیب مجازات گروگان ها را دیدید و همچنین به نگرانی وتشویش آنها از انتقامی که در مقابل خود میدیدند اشاراتی آورده شد؛ اینها را مقایسه کنید با مقام معاونت رئیس جمهوری اسلامی و عضویت در کابینه و در عین حال با آنکه فرزندش مقیم آمریکاست شعار مرگ بر آمریکا و حق بودن گروگان گیری از علائم مشخصه سیاسی ایشان؛ خانم ابتکار است.

اینها همه غیر عادی است مگر اینکه قبول کنیم که یا آمریکا آنقدر فراموش کار است که اصلا جریان گروگان گیری یادش نیست که خانم ابتکار کیست ویا آمریکا در معامله با خانم ابتکار مانند سایر گروگان گیری به دستاوردهائی رسیده که همه گروگان گیران را روی چشمش گذاشته است.

تبهکاران شیاد

نخستین تبهکار شیاد که حرکت در جهت تامین رضایت آمریکا وانصراف آن کشور از مجازات گروگان گیران را آغاز کرد محمد موسوی خوینیهها معروف به آیت الله است؛ او روز ۱۳ آبان یک روز بعد از گروگان گیری در سفارت آمریکا نماز جماعت خواند و کسانی مانند احمد خمینی - فضل الله محلاتی (نماینده خمینی در مراسم حج) حسین مهدیان نماینده کیهان و عده دیگری شرکت داشتند - قطعه نامه گروگان گیران

سفارت در ۱۷ ماده بوسیله خونینها خوانده شد. پاداش خونینها برای انجام برنامه گروگان گیری سفارت، از طرف خمینی عضویت او در هیئت ۵ نفری تلویزیون جمهوری اسلامی بود.

شبکه اول تلویزیون سراسری آلمان خونینها را روی تصویر بعنوان سردسته گروگان گیران معرفی کرد و خونینها در همین برنامه خود را رهبر دانشجویانی که کارمندان سفارت را گروگان گرفته بودند معرفی کرد و.....
(صبح ایران شماره ۱۲۶۰)

خونینها پس از اجرای گروگان گیری به مقامات بالائی در جمهوری اسلامی رسید از جمله سخنگوی طویله اسلامی، روزنامه سلام را منتشر ساخت و در همان روزنامه بود که نوشت **<گروگان گیری ابزار نیروهای مبارز و انقلابی است و مسلما تکرار خواهد شد و عمل گروگان گیری راهم ستود.>**

خونینها از پایه های محکم و مشهود اصولگرایان است که در گروه اصلاح طلبان هم نفوذ بسیار دارد خونینها هم اکنون با وجودی که عملا در قطب اصلاح طلبان قرارداد پیروان و طرفداران محکم و مشهوری در جمهوری اسلامی دارد که میتوان از بین آنها به شریعمداری کیهان استناد کرد.

این شخص بجای اینکه بنا بر پیش بینی های مکرر شخصیت های خارجی ناچار باشد از ترس جان خود پنهانی تا آخر عمر در بیغوله ای زندگی کند (آنطور که جراید خارجی اظهار نظر کرده بودند) با همکاری با آمریکا و قبول عاملیت آن کشور در بهترین کشورهای جهان و بازندگی مجلی روزگار میگذراند، و اکنون مهمترین ایرانی مورد اعتماد آمریکاست در حدی که فقط معرفی او کافی است که آمریکا نسبت به شخص معرفی شده ابراز اعتماد نماید و برای آن شخص تعیین مقرری کند و حتی برای استفاده از طرق مخفی که در اختیار آمریکا برای فرار ایرانیان است فقط اشاره و موافقت خونینها کافی است که آن شخص از امکانات مخفی آمریکا برای خروج از ایران استفاده نماید تبه کارشاید همین آقا است که بجای پنهان شدن و یا مجازات امروز نور چشم آمریکاست.

حال قضاوت باشما، آیا از بین بردن خونینها مثمر تر بود یا تامین دادن به او و استفاده از او بعنوان سکان سیاست آمریکا در ایران؟ خانم معصومه ابتکار و بسیاری نظیر او در حد کمتری همان وضع خونینها را داشته و دارند.

تبهارشاد دیگر عباس عبدی

عباس عبدی از فعالین درجه اول گروگان گیری سفارت آمریکا در تهران بوده است، اکنون هم منکر آن نیست و یکی از بارزه های افتخار آمیز! او همان سابقه مشارکت در گروگان گیری است. او از همکاران نزدیک خونینی ها و سردبیر روزنامه سلام خونینها بوده است.

عباس عبدی ملاقات و مصاحبه ای با باری روزن احدی از آمریکائی های گروگان گرفته بعد از اتمام جریان گروگان گیری داشت که هر چند سروصدای زیادی براه انداخت ولی حقیقت گفتگوها و قرار و مدارها آشکار نشد، مسلم است که نمیتواند تامین امنیت گروگان گیران، مورد مذاکره و شرط و شروط آن نبوده است.

تهکار دیگر اکبر گنجی

❖ اکبر گنجی دقیقاً همان راه خونین‌ها و عبدی و دیگران را پیمود و چون ظرفیت خاصی هم داشت به نویسندگی روی آورد اول در زندان مانیفست جمهوری اسلامی را نوشت؛ آنرا هم آزادانه به خارج از کشور فرستاد و بعد هم از همان طریق مخفی آمریکائی‌ها از ایران خارج شد و یکجا ۵۰۰ هزار دلار برای مقاله نویسی از سوی سازمانهای غیرانتفاعی وابسته به سازمان امنیت آمریکا در اختیارش گذاشته شد.

❖ >مایکل لدین آمریکائی از گنجی بعنوان یک روزنامه نگار شجاع یاد کرد که شهادتش از روسای دولت‌ها بیشتر است< (عصر امروز شماره ۳۹۳۰)

❖ کیهان لندن از اکبر گنجی یک امامزاده طلانی ساخت و شاهین فاطمی (کارگر سیاسی آمریکا) مقالاتی در مدح اکبر گنجی نوشت که دقیقاً نظرات مایکل لدین را تائید میکرد.

❖ روزنامه عصر امروز از گنجی به عنوان اصیل‌ترین وارث شجاعان ایران یاد کرد و نوشت: <پاک بازی امروز گنجی همه خطاهای دیروز او را شست و پاک کرد، میخواستیم با همه وجودم در برابر او تعظیمی کنم به نشانه احترام.>

❖ صبح ایران لوس آنجلس نوشت: <به سوابق گنجی نباید کاری داشت، گنجی دارد سیستم رابهم میریزد و خامنه‌ای را غیر ضروری در سیستم حکومتی میداند بهمین علت است که رئیس جمهوری آمریکا از وی حمایت کرده است؛ (آیا در آن زمان در بین میلیون‌ها ایرانی تنها اکبر گنجی بود که خامنه‌ای را فرد غیر ضروری در سیستم جمهوری اسلامی میدانست؟ البته که خیر ولی حد نوکری کارها کند که کارستان است).>

❖ صبح ایران در راستای حمایت از گنجی تکلیفی هم برای ایرانیان مقرر کرده که شنیدنی است:

<در چنین شرایطی ما ایرانیان برون مرزی یک وظیفه مهم و اساسی داریم و آن این است که تلفنها و فکسها و ایمیل‌های پی در پی به کاخ سفید آمریکا و وزارت خارجه این کشور بفرستیم و مسئله زندانیان سیاسی و اعتصاب غذای گنجی و اینکه او در آستانه مرگ است را **چنان بزرگ کنیم** که رئیس جمهوری آمریکا ناچار شود در این رابطه سخنی بگوید و دست به اقدامی بزند.> (صبح ایران شماره ۴۵۹۰)

❖ بموازات جانب‌داری مطبوعات ایرانیان از اکبر گنجی، گزارشگران بدون مرز ضمن نامه‌ای از گنجی تقدیر و خواهان آزادی او شدند- سفیر انگلیس خواستار ملاقات فوری با گنجی شد - بوش آزادی فوری گنجی را خواستار شد. یکی از سناتورهای آمریکائی شهادت گنجی را بالاتر از رهبران کشورها دانست.

سیل جوایز به سوی اکبر گنجی نشانه گرفته شد و دعوت پشت دعوت برای سخنرانی او؛ آیا همه اینها برای دفاع از حقوق بشر بود یا برای استفاده از گنجی در راه اهداف سیاسی آمریکا؟

این مزایای غیر مترقبه به کسی تعلق یافت که ایرانیان به او لقب اکبر سنجاق داده بودند؛ که هنرش فرو کردن سنجاق به پیشانی خانم‌های کمی بی حجاب بود.

این موقعیت اخلاقی و آن پیش بینی و اظهار نظر مقامات خارجی بر لزوم مجازات گروگان گیران و آن تجلیل های از اکبر گنجی را کنار هم بگذارید تا از دامنه فراخ جاسوسی و همکاری گروگان گیران با آمریکایی ها مطمئن شویم.

دستمال مصرف شده

پس از آنکه سیاست آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی شکل دیگری یافت و یا آمریکا به اطلاعات مورد نیازش رسید و یا بنا بر اصطلاح (اکبر گنجی تخلیه اطلاعاتی شد)، دیگر از اکبر گنجی هیچ خبری نیست درست مانند دستمال مصرف شده ای که مصرف کننده آن هم حاضر به دوباره دیدن و یا مصرف کردن آن نیست.

آیا خواننده محترم این تحریر از اکبر گنجی که روزنامه های ایرانی مزدور آمریکا به او لقب وارث شجاعان داده بودند، خبری دارند و آیا اکنون هم روزنامه های فارسی لوس آنجلس از او بعنوان وارث شجاعان یاد میکنند و سازمانهای سیاسی و حقوق بشری پشت سر هم به او مدال و جایزه نقدی میدهند؟

این سرنوشت همه کسانی است که آلت دست سیاست و مامورین کشورهای خارجی میشوند که فقط مدتی دستمال قابل استفاده آنها هستند.^۱

دست آورد این تحریر

همانطور که درسنگرها آمده است گروگان گیری کارمندان سفارت آمریکا بوسیله جمهوری اسلامی ننگی بزرگ است که بر تاریخ سیاسی ملت ایران کوبیده شده است و متاسفانه نمیتوان عمل جمهوری اسلامی را منتسب به مردمی ندانست که به جمهوری اسلامی رای داده اند.

ایرانیان با فرهنگ و اصالت ملی برای بازگرداندن شرافت سیاسی ملت ایران لایب بر آنند که در اولین فرصت ممکن گروگان گیران و مبلغین و حامیان آنها را در هر موقعیتی که هستند محاکمه و مجازات کنند تا ننگ آن اقدام از دامان سیاسی و حقوقی و اخلاقی ملت ایران پاک شود، در غیر این صورت عمل گروگان گیری کارمندان سفارت کشورها بصورت یک بدعت حقوقی در خواهد آمد که بدعت گذار آن، جمهوری اسلامی زیر نام ملت با فرهنگ ایران معرفی خواهد شد.

++

بالجمله خوانندگان این تحریر از معرفی سایر تبهکاران شاید برای جلوگیری از اطاله کلام خودداری و در همین جا ختم این تحریر اعلام میشود.

۱- امیر عباس فخرآور جزو گروگانگیرها نبوده است ولی او هم مانند کسان دیگری در خدمت آمریکا و بنیاد انترپرایز متعلق به مایکل لدین است که برای آمریکا جاسوسی میکند ولی کسانی مانند آقای مسعود صدر و خسرو صمدی (فروهر) با خطاب «امیرجان، امیرجان» در همدمتی با امیر عباس فخرآور قرار گرفته اند و هر هفته با فخرآور در گفتگو و تبال دنظر تلویزیونی هستند. یکی از تبهکاران در همینجا معرفی شد. ح-ک